

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ اگست ۲۰۲۰

انتقام کور طبیعت و یا بازتاب چپاول های طبقاتی و بی مبادلاتی های دولت پوشالی؟

۲

پنجشنبه - ۰۶ سنبله ۱۳۹۹ - کابل:

۵ - به اجازه شما خواننده عزیز، به بیان مسایل عام به همین اندازه اکتفاء نموده، بر می گردیم به مسأله خاص سیلاب ویرانگر روز گذشته در شهر چاریکار:

سیلاب در شمال غرب شهر کنونی چاریکار دقیقاً در مسیر آبریز و قولی که آبهای جاری شده از دره "اوپیان" را به پائین انتقال می دهد رخ داده است، به همین مناسبت بحث ما را از خود اوپیان و سیلبر های آن آغاز می نمائیم: هر چند از آخرین باری که من به اوپیان رفته ام بیش از یک دهه می گذرد، مگر چشم دیدم در همان زمان و صحبت با دوستان آنجا و تشابه روند زندگی میان آنجا و شکردره که بیشتر از آن اطلاع دارم، به ما می آموزاند:

*- تاجائی که به خاطر ممانده است، منزل دوستی که آن زمان در اوپیان مهمانش بودیم، به فاصله ۵۰ الی ۸۰ متر از آبریز و یا قول، تقریباً در کنار سرک -چاریکار- اوپیان- و پائینتر از زیارت موقعیت داشت. در همان زمان بعد از اندکی گشت و گذار در اوپیان و دیدن آرگاه و بارگاه متولیان زیارت و زنجیری که گویا عبور از آن شفاءبخش می باشد، با اندکی بالا رفتن در سینه کوه، بقایای نخستین سیلبر وجود داشت. چیزی که بیشتر به جویچه های تکه تکه و جدا از هم شباهت داشت، تا سیلبر؛ در بعضی قسمت ها دیده می شد که ساختمان های چندی نیز مطلقاً نقش بازدارنده سیلبر را از بین برده بود.

تقریباً به ارتفاع ۱۰۰ متر بالاتر از آن، سیلبر دومی وجود داشت. این سیلبر با آن که تا آن زمان قطع نشده بود، مگر اثری از پاک کاری و حفر آن به چشم نمی خورد. وقتی از میزبان در همان زمان پرسیدم که فکر نمی کند، این وضعیت خطر جاری شدن سیل را افزایش می دهد، بسیار روشن و واضح گفت:

در اینجا هیچ کسی نیست که به فکر این چیز ها باشد، دولت و ادارات دولتی که ما برای شان فقط زمانی وجود پیدا می نمائیم که گرفتن مالیه از زمین و یا مواشی مطرح باشد، در غیر آن برای شان وجود خارجی نداریم، و اما مردم محل که سابقاً به شکل دسته جمعی و رضاکارانه خود ما در پاک کاری آنها حصه می گرفتیم، اکنون بیشتر به سه علت، یکی درماندگی و بیچارگی مردم، دیگری انهماک بخشی از اهالی به "فرهنگ دالر" و سومی برداشت هیستریک از مذهب

و گفتن "توکل به خدا"، نه تنها توجهی به چنین کاری نداریم، بلکه همان طوری که دیدید سیلبر اول را که در واقع جهت اطمینان با دو کمر بند، از حیات مردم حفاظت می نمود، با ساختن خانه و تخریب مجاری جریان آب، از بین برده اند.

* - این که در جریان بیش از یک دهه در اوپیان چه رخ داده و کار تا کجا خرابتر شده، با تأسف اطلاع ندارم، مگر از آنجائی که عین روند در شکر دره نیز در همان زمان آغاز شده بود و می توان هر دو را به مثابه دو نیمه یک سیب دانست، باید بیفزایم:

در تمام این مدت، زمین خواران از فقر و بیچارگی مردم سوء استفاده نموده، فقیرترین مردم را که از یک جانب از "همسایه نشینی" جان شان به لب شان رسیده بود و از طرف دیگر توان خرید کدام قطعه زمین مرغوب و مطمئن را در خود نمی دیدند، زیر شعار "توکل بخدا"، "اجل از جانب خداست"، "تاخدا نخواهد هیچ چیزی رخ نمی دهد" و ... در جای هائی زمین دادند تا برای خود خانه بسازند، که حتا انسان عصر حجر نیز آن درک را داشت تا در آنجا خانه نسازد و سکونت ننماید.

از آنجائی که مقامات دولتی از ولسوال گرفته تا عسکر و ملک های قریه ها، همه در دزدی با "زمین خواران" سهیم و شریک بودند، صدائی هم از کسی بیرون نمی شد، در چنین حالتی واضح است که وقتی آب از بالا سرازیر می شود، مجرائی برای خود جست و جو می نماید. این آب که هر لحظه و در هر متر پائین آمدن بر اندازه و مقدارش افزوده می شود، وقتی از طریق سیلبر بالائی سمتدهی درست نمی شود، با صد ها و هزارها تن گل و سنگ، خود را به سیلبر پائینی که دیگر وجود ندارد می رساند، از آنجا هم با تخریب راه قول و آبریز را می گیرد، از آنجائی که آبریز هم توسط ساختمان ها یا قسماً بند شده و یا هم تنگ گردیده، مقدار آب بیشتر شده، به سیل ویرانگری مبدل می گردد، که ما نمونه آن را در چاریکار دیدیم.

و اما این که دولت دست نشانده در زمینه چه کرده و چه می بایست می کرد، بحثی است که در قسمت بعدی این مختصر بدان خواهیم پرداخت:

ادامه دارد